

**سجاد پور** - متهم یک پرونده جنایی که با طرح نقشه‌ای مخوف، دست به جنایت هولناک تگزراسی در مشهد زده بود، در حالی به بازسازی صحنه قتل در حضور قاضی ویژه قتل عمد پرداخت که همدست ۲۰ ساله او نیز از یک ارتباط پنهانی پرده



متهمان پرونده در حال تشریح صحنه جنایت در حضور قاضی کاظم میرزایی

برداشت. به گزارش اختصاصی خراسان، ماجرای این پرونده جنایی از ساعت ۱۹:۳۰ شب دوازدهم آذر گذشته زمانی آغاز شد که جوان ۲۵ ساله‌ای به نام «مرتضی-ش» مقابل منزل مسکونی اش واقع در خیابان شهید فکوری ۱۱ هدف شلیک گلوله جوان نقابدار قرار گرفت و در دم جان سپرد. با حضور قاضی ویژه قتل عمد در محل وقوع جنایت، بررسی های قضایی در حالی ادامه یافت که نتیجه تحقیقات میدانی نشان می داد؛قاتل مسلح نقابدار بایک دستگاه پژوپارس سفیدرنگ از محل گریخته است اما بررسی های بیشتر توسط کارآگاهان مشخص کرد که شماره های پلاک پژوپارس جعلی است.بنابر این شیوه های عملیات بانظارت مستقیم سرهنگ جواد شفیع زاده تغییر کرد.و کارآگاهان با رصد های اطلاعاتی محرمانه بررسی موضوعات اجتماعی و اخلاقی عوامل دخیل در این ماجرا در دستور کار قرار دادند تا این که سر نخ ها به همسر مقتول رسید. گزارش خراسان حاکی است، این گونه بود که با دستورات ویژه قاضی کاظم میرزایی گروه زنده ای از کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ بهرامزاده (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) عازم یکی از روستاهای شهرستان گرمه در خراسان شمالی شدند و پس از انجام تحقیقات میدانی، دو متهم این پرونده جنایی را در میان بهت و حیرت اطرافیانشان دستگیر کردند. بنابر این گزارش، متهمان روز گذشته با دستور قاضی میرزایی به محل وقوع جنایت هدایت شدند و به تشریح این جنایت تگزراسی هولناک پرداختند. مصطفی متهم ۲۳ ساله این پرونده جنایی وقتی مقابل دوربین قوه قضاییه قرار گرفت با تاکید قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب به مشهد مبنی بر این که مواظب اظهارات خود باشد و حقیقت ماجرا را بازگو کند، در شرح این جنایت گفت: هفت سال قبل در

## (تمدید آگهی مناقصه عمومی)

**پیرو آگهی** منتشره به شماره ۲۰۲۷۶ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۴ شرکت ونک پارک (سهامی خاص) در نظر دارد، تهیه و تامین و حمل و اجرای کامل باقیمانده عملیات ابنیه، نما، تأسیسات برقی و مکانیکی جهت پروژه مجتمع تجاری – مسکونی واقع در مشهد، میدان امام حسین (ع) خیابان ایثارگران یک پروژه بهار را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای به صورت ۲۰ درصد نقدو ۸۰ درصد تهاات با املاک و یا اراضی متعلق به شرکت به اشخاص حقیقی و حقوقی دارای توان فنی، مالی و تکنیکالاتی و سوابق مشابه واگذار نماید. لذا از کلیه واجدین شرایط فوق دعوت می شود از تاریخ نشر این آگهی حداکثر تا ساعت ۱۷ مورخ ۹۸/۱۰/۲۵ ضمن در دست داشتن معرفی نامه به نشانی: تهران – شهرک قدس (غرب) میدان صنعت – بلوار خور دین – بالاتر از چهارراه همرزان – شرکت ونک پارک-واحد فنی جهت خرید اسناد مراجعه و حداکثر تا ساعت ۱۶ مورخ ۹۸/۱۱/۰۲ نسبت به تسلیم پیشنهادها به این شرکت اقدام نموده و در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۸۸۲۷۴۰۹۹ تماس حاصل نمایند. لازم به ذکر است به پیشنهادهای مشروط، مبهم و پیشنهادهایی که با شرایط مندرج در آگهی اختلاف داشته باشد و یا بعداز مهلت مقرر واصل گردند مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد. بدیهی است این شرکت در رد یا قبول هر یک از متقاضیان بدون آنکه نیازی به ذکر دلیل یا ارائه مستندات باشد، مخیر است و همچنین هزینه در جه آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود. شرایط تکمیلی شرکت در مناقصه در اسناد موجود است و پیشنهاد دهندگان می باید یک نسخه از شرایط مناقصه را دریافت و پس از امضاء و مهرور نمودن آن به پیشنهاد خود ضمیمه نمایند.

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

# کیف چندمنظوره کیهان

چرم ۱۰۰٪ طبیعی و دست دوز

طراحی منحصر به فرد و زیبا  
یک کیف به جایی سه کیف

قابلیت جابجایی:

۱. تلفن همراه  
2. اسکانس  
3. مدارک اعتباری  
4. مدارک شناسایی و ...

۱۰ روز عودت کالا در صورت عدم رضایت

۲۵ درصد تخفیف + هدیه + ارسال رایگان فقط برای ۵۰۰ پیامک اول

برای خرید عدد ۷ راه ۱۰۰۰۵۵۷۰ ارسال نمایید

**هدیه سازمانی**  
سفرشات و پذیرش نمایندگی: ۰۹۹۰۰۵۷۵۰۰۳www.Charmekeyhan.ir

۰۹۱۸۱۲۳۲۹



# اعترافات هولناک عامل جنایت تگزراسی

راه رسیدن ما به یکدیگر، این است که همسر ما بکشیم تا خیالمان راحت شود و بدون دردسر با یکدیگر ازدواج کنیم. اما من از این ماجرا می ترسیدم چون مرتضی را از دوران کودکی می شناسختم و با خانواده اش آشنایی داشتم و از سوی دیگر نیز می خواستم سکینه را از این فکر مخوف منصرف کنم تا دستمان به خون آلوده نشود ولی او همچنان به کشتن همسرش اصرار داشت و مدعی بود که بدون مرگ همسرش نمی توانیم به خواسته هایمان برسیم! این بود که در دوراهی تردید قرار گرفتیم و در نهایت این عشق خیابانی و دل بستگی واهی، چشمانم را کور کرد و تن به خواسته او دادم! بنابر این نقشه های متفاوتی را برای کشتن مرتضی طرح کردیم. ابتدا قرار شد من قرص برنج بخرم و سکینه قرص ها را در نوشیدنی هایی مانند چای یا آب میوه حل کند و به همسرش بخوراند و بعد از آن من جسد او را به مکان نامعلومی ببرم و آثار آن را نابود کنم! «مصطفی-خ» اضافه کرد: ولی سکینه این نقشه را نپذیرفت چرا که مدعی بود قرص های برنج بوی نامطبوعی دارد و تحمل آن بور اندار دبالاخره تصمیم گرفتیم در یکی از مجالس عمومی اهالی روستا یا مجالس جشن و عزاکه همسر سکینه حضور دارد، من قرص برنج را به طرز ماهرانه ای داخل غذای نوشیدنی او حل کنم و بدین ترتیب در برابر چشمان دیگران او را طوری به قتل برسانیم که کسی متوجه این ماجرا نشود. متهم افزود: هر دوفتربا این نقشه موافقت کردیم و چندماه قبل در یکی از مجالس عزاداری من قصد اجرای نقشه را داشتم به همین دلیل چند قرص برنج از داروخانه ای در خراسان شمالی خریدم و به مجلس عزاداری رفتم اما هنگامی که می خواستم قرص را درون ظرف غذایندازم ناگهان قرص به کنار بشقاب غذا خورد و روی زمین افتاد! دیگر نمی توانستم آن را دوباره از زمین بردارم و داخل غذا بگذارم به همین دلیل از اجرای آن نقشه منصرف شدم و نتوانستم و راه قتل برسانم! «مصطفی» ادامه داد: وقتی دیدم هیچ کدام از این نقشه ها کار ساز نیست با سکینه تماس گرفتیم و او گفتیم با همسرش را غیر مرتضی می روم و او را با شلیک گلوله به قتل می رسانم! این بود که در فضای مجازی به دنبال خرید اسلحه گشتم و موفق شدم یکی از فروشندگان اسلحه را در گالیکش پیدا کنم! به همین دلیل به گالیکش رفتم و اسلحه و پنجستروار مبلغ دو میلیون و ۴۰۰ هزار تومان به همراه ۸ کیلتر آن خریدم و به روستا بازگشتم! تا این که روز حادثه فرا رسید آن روز (۱۲/۹/۹۸) به بهانه شرکت در مجلس عروسی دوستم، خودروی پژوپارس برادر مرا به امانت گرفتم تا به سبزوار بروم اما به سوی مشهد حرکت کردم و ماجرا را پیامکی به سکینه اطلاع دادم! حدود ساعت یک بعدازظهر به مشهد رسیدم و محل زندگی سکینه را یک بار مور دبازبینی قرار دادم تا راه های



عامل جنایت تگزراسی هنگام بازسازی صحنه قتل

او را صدا زدم که وایستا، وایستا! او داخل حیاط رفت و من پایم را لای در گذاشتم که مانع بستن در شوم! وقتی او به سوی من بازگشت گفتم مرتضی، مرتضی و گلوله! ادر حالی شلیک کردم که او با دیدن اسلحه از شدت ترس چشمانش گرد شده بود! عامل جنایت تگزراسی در ادامه اعترافاش گفت: پس از شلیک گلوله، بلافاصله درون خودروی خودم را پریدم که شماره های انتظامی آن را نیز با شیوه های ماهرانه تغییر داده بودم. او از محل گریختم! بعد از آن هم شبانه به شهرستان گرمه رفتم و شب داخل خودرو خوابیدم، این در حالی بود که چند تن از دوستانم مدام با من تماس می گرفتند و از قتل مرتضی سخن می گفتند! بالاخره صبح روز بعد به روستا رفتم و

## یک کشته و ۱۳ مجروح در واژ گونی اتوبوس

مدیر منطقه ۳ عملیات آتش نشانی مشهد از امدادسانی گروهای نجات و اطفای حریق این سازمان به مصدومان سانحه واژ گونی اتوبوس مسافربری در حوالی شهر ملک آباد در ۴۰ کیلومتری مشهد خبر داد. به گزارش روابط عمومی و امور فرهنگی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری مشهد، آتشبار حسین صالح نظر آبادی با بیان این مطلب افزود: شب سه شنبه در پی تماس رانندگان عبوری مبنی بر واژ گونی اتوبوسی در حوالی شهر ملک آباد و گرفتار شدن افراد در داخل این وسیله نقلیه، ستاد فرماندهی آتش نشانی بلافاصله گروه های نجات و اطفای حریق ایستگاه های ۹۰۳۹ و ۲۳ این سازمان را به حوالی شهر ملک آباد در ورودی عوارضی اتوبان باغچه اعزام کرد. این

خودروی برادر مرآتخویل دادم و سپس در مراسم عزاداری و خاک سپاری مرتضی شرکت کردم! تا این که حدود ۲۰ روز بعد از این ماجرا صبح زود در کارگاه بلوکه سازی مشغول کارم بودم که به طور ناگهانی خودم را در محاصره کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی دیدم و هنوز در شوک بودم که حلقه های قانون بر دستانم گره خورد! گزارش خراسان حاکی است، در ادامه بازسازی صحنه جنایت، با دستور قاضی کاظم میرزایی، سکینه ۲۰ ساله متهم دیگر این پرونده جنایی نیز در برابر دوربین قوه قضاییه قرار گرفت و در تشریح ماجرای جنایت تگزراسی خواستگرا سابقش گفت: اعتراضات مصطفی را قبول دارم! من واو اوزان نوجوانی به یکدیگر علاقه مند بودیم اما خانواده ام به خواستگاری مرتضی پاسخ مثبت دادند به خاطر همین علاقه و احساسات عاطفی، ارتباطی پیامکی و سپس ملاقات های حضوری ادامه یافت تا این که همسر م متوجه این ارتباط شد و درگیری و اختلافات بین ما افزایش یافت. این درحالی بود که خانواده ها و بستگانمان از اختلافات بین ما اطلاعی نداشتند و مرتضی نیز در باره ارتباط پنهانی من با مصطفی چیزی به دیگران نگفته بود تا خرید به بیرون از منزل می آید! من هم خودم را آماده کردم و از درون پژوی برادرم به منزل مرتضی چشم دو ختم که ناگهان او بیرون آمد و به فروشگاه روه روی منزل شان رفت. در این لحظه اسلحه را آماده کردم و با شال صورتم را پوشاندم تا شناسایی نشوم! هنوز چند قدم تا رسیدن مرتضی به منزلش باقی مانده بود که از خودرو پیاده شدم و از پشت سر

جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی دیدم و هنوز در شوک بودم که حلقه های قانون بر دستانم گره خورد! گزارش خراسان حاکی است، در ادامه بازسازی صحنه جنایت، با دستور قاضی کاظم میرزایی، سکینه ۲۰ ساله متهم دیگر این پرونده جنایی نیز در برابر دوربین قوه قضاییه قرار گرفت و در تشریح ماجرای جنایت تگزراسی خواستگرا سابقش گفت: اعتراضات مصطفی را قبول دارم! من واو اوزان نوجوانی به یکدیگر علاقه مند بودیم اما خانواده ام به خواستگاری مرتضی پاسخ مثبت دادند به خاطر همین علاقه و احساسات عاطفی، ارتباطی پیامکی و سپس ملاقات های حضوری ادامه یافت تا این که همسر م متوجه این ارتباط شد و درگیری و اختلافات بین ما افزایش یافت. این درحالی بود که خانواده ها و بستگانمان از اختلافات بین ما اطلاعی نداشتند و مرتضی نیز در باره ارتباط پنهانی من با مصطفی چیزی به دیگران نگفته بود تا خرید به بیرون از منزل می آید! من هم خودم را آماده کردم و از درون پژوی برادرم به منزل مرتضی چشم دو ختم که ناگهان او بیرون آمد و به فروشگاه روه روی منزل شان رفت. در این لحظه اسلحه را آماده کردم و با شال صورتم را پوشاندم تا شناسایی نشوم! هنوز چند قدم تا رسیدن مرتضی به منزلش باقی مانده بود که از خودرو پیاده شدم و از پشت سر

جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی دیدم و هنوز در شوک بودم که حلقه های قانون بر دستانم گره خورد! گزارش خراسان حاکی است، در ادامه بازسازی صحنه جنایت، با دستور قاضی کاظم میرزایی، سکینه ۲۰ ساله متهم دیگر این پرونده جنایی نیز در برابر دوربین قوه قضاییه قرار گرفت و در تشریح ماجرای جنایت تگزراسی خواستگرا سابقش گفت: اعتراضات مصطفی را قبول دارم! من واو اوزان نوجوانی به یکدیگر علاقه مند بودیم اما خانواده ام به خواستگاری مرتضی پاسخ مثبت دادند به خاطر همین علاقه و احساسات عاطفی، ارتباطی پیامکی و سپس ملاقات های حضوری ادامه یافت تا این که همسر م متوجه این ارتباط شد و درگیری و اختلافات بین ما افزایش یافت. این درحالی بود که خانواده ها و بستگانمان از اختلافات بین ما اطلاعی نداشتند و مرتضی نیز در باره ارتباط پنهانی من با مصطفی چیزی به دیگران نگفته بود تا خرید به بیرون از منزل می آید! من هم خودم را آماده کردم و از درون پژوی برادرم به منزل مرتضی چشم دو ختم که ناگهان او بیرون آمد و به فروشگاه روه روی منزل شان رفت. در این لحظه اسلحه را آماده کردم و با شال صورتم را پوشاندم تا شناسایی نشوم! هنوز چند قدم تا رسیدن مرتضی به منزلش باقی مانده بود که از خودرو پیاده شدم و از پشت سر



۰۹۱۸۱۲۳۲۹

دیگر مجروح شدند که ۱۰ نفر توسط اورژانس به بیمارستان های مشهد منتقل و سه نفر نیز در محل درمان شدند. شایان ذکر است علت این حادثه توسط عوامل پلیس راه در دست بررسی است و آتش نشانان پس از ایمن سازی کامل محیط حادثه به ماموریت خود پایان دادند و به مشهد مراجعه کردند.

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹

۰۹۱۸۱۲۳۲۹